



شماره ثبت: ۲۵۵۱

بسم الله الرحمن الرحيم

فهرست مطالب

۲.....	استثنائات غیبت
۲.....	مقدمه
۲.....	استثنای یازدهم: نقد حکومت
۲.....	الف) تراحم
۲.....	ب) سیره
۳.....	جمع بندی
۳.....	مصادق های تراحم
۳.....	عناوینی که مؤید سیره اند
۳.....	نکته
۴.....	جمع بندی
۴.....	استثنائات دیگر غیبت
۴.....	۱. مدع النسب
۴.....	۲. دفع شر از مغتاب



استثنائات غیبت

مقدمه

این مقدمه جمع‌بندی مباحث گذشته است:

بیان عیوب، طعنه زدن، از عناوین محرمه است که شامل جلوی رو نیز می‌شود. هرکدام از حالات جلوی رو و پشت سر، که بیان عیوب یا تنقیص انجام بشود، از امور محرم است. برخی از استثنائاتی که در اینجا ذکر شد، گرچه جزء استثنائات غیبت بیان شده است، از استثنائات تنقیص و بیان عیب جلوی شخص به حساب می‌آید. مثلاً نقد علمی. با همان تقریرهایی که بیان کردیم این اوامر، از تمام استثنا شده است. البته این‌ها نباید همراه با سب و عناوین دیگر باشد.

استثنای یازدهم: نقد حکومت

منظور از حکومت، حکومت مشروع است. اگر مشروعیت نداشته باشد، نوعی تجاهر به فسق است.

اگر نقد یک عملکرد و برنامه حکومت باشد، می‌توانیم از دو راه سابق، این امر را اثبات بکنیم. این امر امکان دارد با تنقیص یا غیبت شخص همراه باشد. برای اثبات چند راه وجود دارد:

الف) تراحم

فرض این است که در امور مهمه و برنامه‌ها، ترک بیان اشکالات، موجب تراکم اشکال و انباشتگی آن می‌شود و می‌دانیم که مصلحت شارع بر این نیست. اگر موارد در این درجه از اهمیت باشد و با غیبت و بیان عیب ملازمه داشته باشد، تراحم به وجود می‌آید.

ب) سیره

از باب همان مباحث علمی که قبلاً به آن اشاره کردیم، ممکن است در اینجا نیز به آن اشاره بشود. وقتی که نقد حاکم می‌کند، نقد یک برنامه می‌کند، شاید در این امر تنقیص وجود داشته باشد. اگر چیز آشکاری باشد، مانعی ندارد. اما فرض می‌گیریم که با دقت کامل، شخص توانسته است عیوب طرح را استخراج کند.



شماره شصت: ۲۵۵۱

این امور مصداقی از نقد علمی است. وقتی شخص فہیمی در یک برنامه اشکالاتی را متوجه می‌شود که عموم به سادگی این عیوب را متوجه نمی‌شوند، در این نقد، تنقیصی نیز وجود دارد. سیرہ نشان می‌دهد کہ این امر ناظر بہ غیبت نیست یا اینکه از استثنائات بہ شمار می‌آورد.

جمع بندی

چہ از باب تراحم و سیرہ وارد بشویم، غیبت در محدوده نقد است و بیان فنی اشکالات است کہ امکان دارد تنقیصی ہمراہ آن است. بیش از این جایز نیست.

مصداق‌های تراحم

اگر از باب تراحم وارد بشویم، عناوینی با غیبت تراحم پیدا می‌کند.

۱. یکی بحث امر بہ معروف و نہی از منکر است. البتہ این در جایی است کہ حکومت منکر انجام می‌دهد. اگر این عنوان در تراحم قرار بگیرد، تنہا شامل مواردی است کہ کار محرمی را انجام می‌دهد.

۲. عنوان بعدی، نصیحت ائمہ مسلمین است. این عنوان، از عناوین مهمی است. ادلہ‌ای وجود دارد کہ نصیحت ائمہ مسلمین وجوب دارد. اگر کسی این را قائل بشود، این عنوان با بحث غیبت و تنقیص تراحم پیدا می‌کند.

این دو عنوان از مهم‌ترین عناوین هستند. ممکن است عناوین دیگری نیز وجود داشته باشد.

عناوینی کہ مؤید سیرہ‌اند

روایات و ادلہ‌ای کہ برای حقوق متقابل رأیت و حاکم آمدہ است، مؤید این مطلب هستند. مثلاً در نہج البلاغہ، نکاتی در این مورد بیان شدہ است. یکی از این حقوق، تذکر دادن است.

نکته

گاهی عناوین ثانویہ‌ای وجود دارد کہ باید آن‌ها را توجہ داشت. مثلاً نقد در زمان جنگ خارجی یا داخلی اشتباه است.

البتہ باید این نقد در حدی باشد کہ ضرورت تراحم را رفع کند. شاید گاهی با نوشتن نامہ خصوصی این امر کفایت می‌کند. گاهی باید علنی بشود. این‌ها نکاتی هستند کہ باید بہ آن‌ها دقت شود.



جمع بندی

نقد عملی یک برنامه، حاکم و مسئول با یکی از دو عنوان تراحم و سیره، جایز است و گاهی نیز واجب است. اما این مشروط به شروطی است. یکی اینکه به اندازه‌ی عیوب و نقص‌ها باشد. دوم اینکه به حد ضرورت اکتفا شود و این همیشه مستلزم علنی کردن نیست.

استثنائات دیگر غیبت

استثنائات دیگری در مورد غیبت نیز وجود دارد. در اینجا فقط بیان می‌کنیم و به شرح به آن نمی‌پردازیم

۱. مدع النسب

کسی که ادعای نسب غلطی کند. مثلاً بگوید من از این قبیله هستم. در بعضی کلمات آمده است که غیبت در این مورد جایز است.

گاهی این ادعا، به کسی بر نمی‌خورد. مثلاً شخص بگوید از فلان طایفه هستم. اینجا نیز واضح نیست که غیبت جایز باشد. اما در جایی که ادعای نسب، باعث اثراتی است، قطعاً غیبت جایز است. یا مثلاً در جایی که اثر در ازدواج و ارث و ... دارد. در اینجا سیره وجود ندارد و فقط از باب تراحم است.

۲. دفع شر از مغتاب

مثلاً امام (ع) پشت سر زراره عیب‌گویی می‌کند تا کسی به آن‌ها لطمه نزنند. طبعاً جایی که دفع ضررهای زیادی از خود یا دیگران باشد، غیبت مجاز است.